

فرقه اسماعیلیه و پژوهش تطبیقی منابع رجالی امامیه

دکتر میرهادی حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده:

فرقه اسماعیلیه (یکی از پویاترین فرق اسلامی) همواره از دل مشغولی‌های مورخان، به ویژه پژوهشگران تاریخ اسلام در غرب بوده و هست. اندیشه و آرمان نخستین نظریه پردازان این فرقه، از جهات متعددی مورد کاوش قرار گرفته است. در این میان، کتب رجالی امامیه، با نگاهی واقع‌گرایانه، زوایای انشقاق در شیعه امامیه طی قرون دوم و سوم هجری را به خوبی پی گرفته‌اند.

این مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهد که منابع شیعه امامیه (= معاجم رجال طوسی، نجاشی، کشی، و ...) به موضوع پیدایش این فرقه چگونه نگاه می‌کنند؟ روش تحقیق در این نوشتار، براساس مقایسه و تطبیق منابع اصلی رجالی امامیه با دیگر مآخذ اهل سنت است.

این پژوهش معلوم می‌کند که در خصوص شخصیت اسماعیل دو نوع نگرش وجود دارد:

۱. نگرش اهل سنت و اخیراً پژوهشگران غربی که اسماعیل را فردی منحرف از لحاظ اخلاقی معرفی کرده‌اند؛ ۲. نگرش امامیه که در کتب معاجم رجال منعکس شده و بر براءت اسماعیل دلالت دارد. و از جمع‌بندی نهایی اطلاعات مندرج در منابع امامی نتیجه می‌شود که ابوالخطاب فردی مذموم و غالی بوده، اما میمون قداح و پسرش عبدالله، با نظر به تعدد افراد موسوم به نام آنان، از اصحاب امام صادق (ع) و اشخاصی معتبر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: اسماعیلیه، اسماعیل، کتب رجال، مهدویت، غالی، امام صادق (ع)، ابوالخطاب،

میمون قداح، عبدالله بن میمون قداح.

مقدمه

اسماعیلیه در میان فرق درجه دوم اسلامی، (در مقابل مذاهب چهارگانه اهل سنت به همراه شیعه امامیه که فرق اول هستند) یک تاریخ پویا، سرزنده و مستحکم دارند و شاید هیچ یک از این فرق از این حیث به پای اسماعیلیه نرسند و بسا که سزاوار باشد اسماعیلیه از سطح یک فرقه دست دوم به گروه درجه اول ارتقا یابند. اما عدم تداوم این پویایی از قرن هفتم به بعد، به ویژه در ایران، موجب شده است آنان به عنوان یک جنبش سیاسی - تاریخی درجه یک اما مذهبی درجه دو به حساب آورده شوند. این تقسیم‌بندی از آن جهت طرح گردیده که بیشتر منابع مربوط به تاریخ مذهب، کلیه فرق اصلی اسلامی را به پنج گروه تقسیم می‌کنند: چهار فرقه اهل سنت (= شافعی، حنفی، حنبلی و مالکی) به اضافه شیعه امامیه. تحقیقاً این تقسیم‌بندی، مبنای مذهبی دارد و نه سیاسی. اهمیتی که مؤلف الفرق بین الفرق برای تقسیم مذاهب قایل شده، موکد این مطلب است که شیعه امامیه به همراه فرق اهل سنت، اصلی‌ترین فرقه‌های اسلامی هستند. اسماعیلیه به طور اخص و شیعه به طور اعم، به قطع معتقدند که امامانشان چه بر اریکه قدرت ظاهری حکومت دنیوی باشند یا نه، حاکمیت و ولایت آنان در حق پیروانشان همچنان جاری، نافذ و غیرقابل انکار و اغماض خواهد بود. این عقیده به مفهوم نص در فقه و کلام شیعی کاربرد خاصی داده؛ به گونه‌ای که استدلال‌های شیخ طوسی در الامالی (طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۱۹ به بعد) و همچنین سید مرتضی در کتاب الانتصار و النصريات (سید مرتضی، ص ۱۰-۶) آشکارا بر این مبنا استوار است. این تفکر به خودی خود در اندیشه شیعی نوعی پویایی ایجاد می‌کند و در کنار اعتقاد به حاضر و زنده بودن امام در هر زمان، انتظار قیام، تحول و آموزه‌های جدید را پیش می‌کشد.

در این مقاله، پیدایش اسماعیلیه، به ویژه شخصیت اسماعیل، از دیدگاه‌های مختلف اهل سنت و شیعه بررسی شده است، اما بیشتر به منابع امامیه توجه شده است؛ که البته بسیاری از پژوهشگران غیراسلامی نیز از مدت‌ها پیش همین کار را کرده‌اند و در

تحقیقات مربوط به اسماعیلیه بیشتر به منابع امامیه استناد جسته‌اند. از جمله برنارد لوئیس و هاجسن (لوئیس، ص ۱۹-۱۷) در این راه پیشتاز هستند. علت این امر، احتمالاً تهدیدی بوده که در طول تاریخ هفت قرن اول هجری، از طرف اسماعیلیه متوجه اهل سنت بود و همین احتمال تعصب و غرض‌ورزی را در نوشته‌های اهل سنت بیشتر می‌کند، در حالی که امامیه هرگز اسماعیلیه را برای خود تهدید جدی نمی‌دانستند، لذا دلیلی هم برای ابراز تعصب نسبت به آنان نداشتند؛ و محققان در تحقیقات خود متوجه این امر بوده‌اند.

این مقاله سعی دارد روشن سازد که اساساً شخصیت اسماعیل از چه لحاظ مورد توجه قرار گرفته و منابع رجالی امامیه آن را چگونه ارزیابی می‌کنند.

منابع مطالعاتی در تاریخ اسماعیلیه

الف. منابع امامیه

منابع شیعه اثنی عشری، به ویژه در خصوص پیدایش اسماعیلیه در زمان امام صادق (ع) اطلاعات حائز اهمیتی ارائه می‌دهند. اما در مورد تاریخ متأخر اسماعیلیه، چندان پربار نیستند. برخی از این منابع عبارتند از:

۱. معرفة اخبار الرجال، از عبدالعزیز کشی که در قرن چهارم هجری نوشته شده و به طور اختصار توسط شیخ طوسی به ما رسیده است؛

۲. فرق الشیعه، از نوبختی که در قرن چهارم نوشته شده است؛

۳. رجال، از نجاشی که به موضوع مورد نظر اشارات مختصری دارد؛

۴. دو اثر رجال و تهذیب الاحکام، از شیخ طوسی که اطلاعات مفیدی درباره مرگ

اسماعیل ارائه می‌دهند؛

۵. تبصرة العوام، از سید مرتضی که در قرن هفتم نوشته شده است؛

۶. اصول کافی، از ثقة الاسلام کلینی که در جلد اول، باب بداء، حدیثی از امام صادق

(ع) را که با ظهور اسماعیلیه ارتباط مستقیم دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد؛

۷. وسایل الشیعه ج ۱۱، از شیخ حر عاملی؛

۸. تحف العقول، از ابن شعبه؛

۹. بحار الانوار ج ۴۷، از مجلسی.

ب. منابع اسماعیلی

بسیاری از منابع اسماعیلی، سری و پنهان باقی مانده‌اند و این خود مانع بزرگی در شناخت اعتقادات اسماعیلی است. اما برخی از منابع در دسترس آنان عبارتند از:

۱. عیون الاخبار، از ادریس که داعی یمن بود. این کتاب تاریخ اسماعیلیان را از زمان

امام علی (ع) تا زمان حیات مولف (= قرن نهم هجری) آورده است؛

۲. افتتاح الدعوة و ابتداء الدولة، از قاضی نعمان که در واقع تاریخ دعوت اسماعیلیه

فاطمی در یمن و افریقای شمالی است؛

۳. سفرنامه، از ناصر خسرو قبادیانی که یکی از داعیان اسماعیلی بوده است؛

۴. رسائل اخوان الصفاء، نخستین دایرةالمعارف شناخته شده اسلامی که مجموعه

دلنشینی از علوم و معارف قرن سوم یا چهارم هجری می‌باشد. بسیاری از منابع مولفان

این رسائل را اسماعیلی می‌دانند؛

۵. منابع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی نیز یکی از منابع مطالعاتی برای شناخت

اسماعیلیه است. در پنج سال اخیر، اسماعیلیه تلاش‌های گسترده‌ای را برای بیان تفکرات

خود در اینترنت به عمل آورده‌اند. سایت موسسه مطالعات اسماعیلی (The Institute of

Ismaili Studies=IIS) توسط آقاخان پایه گذاری شده و از طریق آدرس زیر در اینترنت

قابل دسترسی است:

<http://www.iis.ac.uk/index-p.htm>

پس از ورود به این سایت، پیوند Learning، محققان را با تعالیم و اصول

مذهبی اسماعیلیان آشنا می‌سازد.

پایگاه FIELD (First Ismaili Electronic Library and Database) هم به عنوان

نخستین کتابخانه دیجیتال و بانک اطلاعاتی مذهب اسماعیلی در اینترنت از طریق آدرس زیر قابل دسترسی می‌باشد:

<http://ismaili.net>

پیوند History در این سایت، پژوهشگران را با تاریخ اسماعیلیه آشنا می‌سازد. این اطلاعات از طریق اتصال به آدرس زیر هم قابل دسترسی است:

<http://ismaili.net/histoire/main.html>

در این سایت اطلاعات فراوانی در زمینه تاریخ امامان اسماعیلی گنجانده شده است. نکته حائز اهمیت، اطلاعات مربوط به امامان اخیر (یک قرن گذشته) اسماعیلی است که از طریق آدرس زیر قابل دریافت می‌باشد:

<http://ismaili.net/imamfam.html>

از همین سایت می‌توان به صدای رادیو و تلویزیون اسماعیلی هم متصل شد. در پیوند Selected Readings هم اطلاعات دیگری وجود دارد، از جمله درباره تاریخ اسلام از سلطان محمدشاه آقاخان سوم، زندگی و بیانات الموید فی‌الدین شیرازی، رساله‌ای از شهاب‌الدین الحسینی در حقیقت دین، تفسیر اسماعیلی از گلشن راز، دو رساله اسماعیلی (هفت باب باباسیدنا؛ و مطلوب المومنین).

پایگاه بعدی، سایت amaana است که تحت مدیریت یک اسماعیلی به نام نینا جعفر به تبلیغ مذهب اسماعیلی و معرفی تاریخ آنان می‌پردازد:

<http://www.amaana.org>

شبکه اینترنتی آقاخان (Aga Khan Development Network) (AKDW) هم یک موسسه آموزشی و فرهنگی است که بیشترین حوزه فعالیت آن در آسیا و آفریقا متمرکز است و محققان را با مسئله امامت در مذهب اسماعیلی آشنا می‌سازد:

<http://www.akdn.org/imamat/imamat.html>

ج. تحقیقات جدید

در خصوص تاریخ اسلام، به ویژه در حوزه تاریخ اسماعیلیه، محققانی چون عباس اقبال از ایران، لوئی ماسینیون از فرانسه، عباس حمدانی از پاکستان، هاجسن از دانشگاه شیکاگو، آصف فیضی از هند، ایوانف از روسیه، برنارد لوئیس از دانشگاه لندن و بالاخره دخویه، کازانوا و دوساسی تحقیقات وزین و معروفی دارند که جامعه تحقیقاتی ایران نیز به خوبی با آنان آشنایی دارند، اما با پژوهش‌های اسماعیلیه‌شناسان اخیر که در سراسر جهان پراکنده‌اند، ایرانیان آشنایی چندان ندارند.

پژوهشگران اخیر در حوزه اسماعیلیه

۱. پ. ای. والکر (P.E. Walker)

دکتر والکر، محقق مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیکاگو است که در تحقیقی با عنوان ابویعقوب السجستانی: مبلغ روحانی (Abuya'gub al-Sijistani: Intellectual Missionary) ویژگی‌های شخصیتی این داعی بزرگ اسماعیلی قرن چهارم را به رشته تحریر آورده است. عقیده به تناسخ یکی از اعتقادات سجستانی است. البته او بیشتر با کتاب فارسی کشف المحجوب در ایران شناخته می‌شود. والکر همچنین با همکاری دکتر ویلفرد مادلونگ، ویرایش و ترجمه انگلیسی کتاب المناظرات ابن هبش را نیز منتشر نموده است. والکر در سال ۹۹ نیز تحقیقی را با عنوان حمیدالدین الکرمانی: اندیشه اسماعیلی در عصر الحاکم به چاپ رسانید.

۲. فرهاد دفتری

دکتر فرهاد دفتری محقق ایرانی موسسه مطالعات اسماعیلی لندن و فارغ‌التحصیل دانشگاه کالیفرنیا برکلی، تالیفات متعددی را در حوزه تاریخ اسماعیلیه انجام داده است. حکایات اسماعیلیه (The Assassin Legends) یکی از این پژوهش‌ها است. در سال ۱۹۹۶ یکی از مهمترین پژوهش‌های وی با عنوان تاریخ و اندیشه اسماعیلیان در

قرون میانی (Medieval Ismaili History and Thought) از سوی دانشگاه کمبریج منتشر شد. وی در این اثر و با استناد به انبوه منابع و اسناد اسماعیلی که در دسترس داشت، سیر تاریخی و اندیشه‌های اسماعیلیه را به رشته تحریر درآورده است. وی قبل از آن نیز، کتاب تاریخ و تعالیم اسماعیلیه (The Ismailies: Their History and Doctorines) را تألیف کرده بود. و در سال ۲۰۰۰ نیز، تاریخ مختصر اسماعیلیان (A Short History of Ismailies) را منتشر ساخت.

و از دیگر آثار اوست: دعوت اسماعیلی خارج از دولت فاطمی در مصر (The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla)، شیعه و جنبش‌های ملی در ایران، خراسان و ماوراءالنهر طی دوره اموی و اوایل عباسی (Sectarian and National Movements in Iran, Khurasan and Transoxiana during Umayyad and Early Abbasid Times).

۳. شاینول جوا (Shainool Jiwa)

خانم دکتر شاینول جوا در پژوهشی با عنوان دیپلماسی فاطمیان - آل بویه در طی خلافت العزیز بالله (Fatimid - Buyid Diplomacy during the Reign of Al-Aziz Billah) روابط سیاسی دو شخصیت قدرتمند جهان اسلام، یعنی العزیز بالله (حاکم فاطمی) و عضدالدوله (حاکم آل بویه) را بررسی می‌کند. وی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مقصد اولیه خلافت فاطمی: یمن یا مغرب؟» (The Initial Destination of the Fatimid Caliphate: The Yemen or the Mahgrib?) (منتشره در مجله انجمن انگلیسی مطالعات خاورمیانه، ۱۹۸۹ میلادی، ص ۲۶-۱۵) در پی اثبات آن است که امام المهدی (امام فاطمیان اسماعیلی) ابتدا یمن را به عنوان مرکز امامت خود در نظر گرفت اما وقوع حوادث پیش‌بینی نشده در یمن، طرح و نقشه وی را تغییر داد.

۴. عظیم نانجی (Azim Nanji)

عظیم نانجی، مدیر فعلی مرکز مطالعات اسماعیلی در لندن و مدیر اسبق گروه ادبیات

- دانشگاه فلوریدا، تحقیقات متعددی را درباره اسماعیلیه انجام داده است. از جمله:
- تعالیم و رسوم اسماعیلیان نزاری (The Nizari Ismaili Tradition) که در سال ۱۹۷۶ م منتشر شد؛
 - تقویم اسلامی (The Muslim Almanac)، ۱۹۷۶ م؛
 - مقالاتی در دایرةالمعارف اسلامی؛ و
 - مقالاتی در دایرةالمعارف آکسفورد در زمینه جهان اسلام.

۵. پائولا ساندرز (Paula Sanders)

دکتر پائولا ساندرز، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه رایس در امریکا، مقالات چندی را درباره سلسله فاطمیان در مصر به ویژه در قرن دوازدهم میلادی، تالیف کرده است.
(<http://www.ruf.rice.edu/~hist.>)

۶. آنتونی کمپبل (Anthony Campbell)

دکتر آنتونی کمپبل، محقق اهل انگلیس، تحقیقات جامعی را درباره اسماعیلیان الموت انجام داده است. مهمترین اثر وی در این زمینه، اسماعیلیان الموت نام دارد که از طریق آدرس اینترنتی زیر می توان به متن کامل آن دسترسی یافت:

<http://homepage.ntlworld.com/anthony.Campbell/assassins/index.html>

این کتاب در شش فصل، تاریخ استقرار حسن صباح در الموت را تا هنگام زوال اسماعیلیه الموت بررسی می کند.

پیدایش اسماعیلیه

ریشه ها و ردپای افکار اسماعیلیه را می توان از زمان مرگ محمد حنفیه پی گرفت. پس از وفات پیامبر اسلام (ص)، فرقه ها و گرایش های مذهبی و سیاسی مختلفی در جهان اسلام ظهور یافت. اسماعیلیه نیز طی فراز و نشیب های تاریخی و مذهبی، از پیکره شیعه

امامیه جدا شد. پس از رحلت پیامبر (ص)، تشیع به سهولت در میان موالی نفوذ کرد. در حالی که امامان این گروه می‌بایستی از اعراب، قریشی، و هاشمی باشند.

«مهدویت» از جمله اعتقاداتی بود که در میان تشیع، به ویژه در میان موالی مقبولیت خاص پیدا کرد. البته این گرایش مختص تشیع نبود و قیام مختار در سال ۶۶ هـ ق نیز به صورت ایدئولوژی مهدویت درآمد. وی مدعی شد که محمد حنفیه، همان مهدی است. پس از مرگ مختار و محمد حنفیه، هواداران‌شان مدعی شدند که محمد نمرده، بلکه غایب شده و دوباره ظهور خواهد کرد. از این زمان تا ظهور اسماعیلیه، حدود ۷۰ سال طول کشید. بین قیام مختار در ۶۶ ق تا ظهور فعالیت‌های ابوالخطاب در ۱۳۸ ق که منجر به قتل وی شد، ۷۲ سال فاصله هست. در این هفت دهه، دو گروه فاطمیه (که بعدها همان شیعه امامیه نام گرفت) و حنفیه، در راس گروه‌هایی بودند که به مهدویت اعتقاد داشتند. البته حنفیه در طول این هفتاد سال نتوانستند اصالت خود را حفظ کنند و بسیاری از آنان جذب جناح فاطمیان (= امامیه) شدند.

تا تشکیل حکومت اسماعیلی در مصر، هر وقت از فاطمیان نام برده می‌شود، منظور فاطمیان امامی (اثنی عشری) هستند نه اسماعیلی؛ زیرا هنوز کلمه فاطمیان بر اسماعیلیه اطلاقی نیافته بود؛ و از زمانی بر آنان نیز «فاطمی» اطلاق شد که توانستند نخستین حکومت اسماعیلی را در مصر بنیان‌گذاری کنند.

به این ترتیب، در دوره قدرت‌گیری عباسیان، عملاً حنفیه از فهرست فرقه‌های انقلابی خارج شده بود. در این زمان امام صادق (ع) به عنوان امام شیعیان، با یک بحران عقیدتی و سیاسی در جامعه روبرو بود. امام صادق (ع) در سال ۷۹ یا به قولی ۸۳ هـ ق متولد شد و در سال ۱۴۸ هـ ق به شهادت رسید. پس امام دوره فترت بین سقوط بنی‌امیه و ظهور بنی‌عباس را به خوبی درک کرد. در این دوره، تحولات فکری و عقیدتی محسوسی در جامعه ایجاد شد. ظهور این بحران فکری در جامعه، نتیجه گسترش عباسیان جدید بود که مردم را با جعل حدیث و فتوا به رأی خود غرق در فساد کرده بودند. نخستین خلفای عباسی، با شعار الرضا من ال محمد، توانستند ماکیاولی‌گونه،

از عواطف مردمی برای رسیدن به حکومت استفاده کنند، اما پس از مدتی، همین که شرایط عوض شد، در یک انحراف استراتژیک، با وارد کردن عناصری بیگانه با مصادر تشریحی، از قبیل قیاس و استحسان، به متن قوانین اسلامی، این قوانین را تضعیف نمودند که از جمله تبعات این سیاست، می‌توان به ظهور غالیان و صوفیان اشاره کرد. این برنامه‌های حکام اخیر عباسی (عباسیان جدید) امام صادق (ع) را به مقابله به آنان واداشت.

ایشان در زمان حیات خویش این نکته را روشن ساخت که امامت از پدر به پسر، ولی نه لزوماً به پسر بزرگتر می‌رسد؛ البته اسماعیل در همان زمان حیات پدر وفات کرد. امام با توجه به شرایطی که در آن قرار داشت و احتمال بروز افکار انحرافی را پیش‌بینی می‌کرد، حاکم مدینه را بر مرگ اسماعیل شاهد گرفت. بسیاری از منابع اهل سنت متفق‌القولند که اسماعیل انحراف اخلاقی داشته و حتی شرب خمر می‌کرده است. بغدادی صراحتاً می‌گوید که امام، روزی اسماعیل را مست دید، و برای همین هم او را خلع کرد و پسر دیگرش موسی بن جعفر (ع) را به جانشینی خود برگزید. (بغدادی، ص ۳۲۰) منابع اسماعیلیه در این باره، اطلاعات مفیدی ارائه نمی‌دهند. با نظر به منابع امامیه که نسبت به منابع اهل سنت واقع‌بینانه‌تر برخورد کرده‌اند، و همچنین بر اساس تحقیقات لوئی ماسینیون، اسماعیل با حوزه‌های افراطی رابطه داشته است و حتی فرزند اسماعیل، یعنی محمد این رابطه را با شاگرد ابوالخطاب، یعنی میمون قداح و فرزندش عبدالله همچنان حفظ کرد. همچنانکه گفته خواهد شد، به استناد منابع امامیه، ابوالخطاب فردی غالی بوده و بی‌توجهی امام نسبت به اسماعیل نیز نه به خاطر انحراف اخلاقی خود اسماعیل، بلکه ریشه در شخصیت ابوالخطاب داشته است. ابوالخطاب از نخستین بنیان‌گذاران یک نهضت باطنی به شمار می‌آید. وی از موالی اسد و ابتدا از شاگردان امام باقر (ع) و سپس امام صادق (ع) بود. آشکار شدن نیت فکری او موجب شد که امام صادق (ع) او را طرد کند؛ و منابع امامیه این نکته را به خوبی منعکس کرده‌اند. شیخ طوسی در کتاب رجال طوسی ابوالخطاب را ملعون و فاسق خطاب کرده

است. (طوسی، رجال، ص ۱۸۸) خوئی، در معجم رجال الحدیث چهل روایت از افراد مختلف در اثبات فساد ابوالخطاب ذکر می‌کند (خوئی، ج ۳، ص ۲۴۳ به بعد) و زندگی ابوالخطاب (= محمد بن ابی زینب، مقلاص) را به دو دوره تقسیم می‌کند که ابتدا یکی از راویان و مؤثقیین بوده، اما سپس منحرف می‌شود و مورد لعن، نفرین و غضب امام صادق (ع) قرار می‌گیرد. امام، او را، به دلیل غالی بودن از جرگه شاگردان و اصحاب خود طرد کرد. از مجموع چهل روایت نقل شده در این کتاب، بیست روایت آن در ذم ابوالخطاب مستقیماً از شخص امام صادق (ع) صادر شده است. (خوئی، ص ۲۶۱-۲۴۳) کشتی نیز در معرفة اخبار الرجال (از منابع امامیه) اشاره می‌کند که او تا قبل از طردش از طرف امام صادق (ع) از شاگردان ایشان بوده است. (کشتی، ص ۱۸۸) نوبختی در فرق الشیعه می‌گوید ابوالخطاب سپس ادعای پیامبری کرد و خود را وارث امام صادق (ع) معرفی کرد. (نوبختی، ص ۳۷ و ۵۸)

در مورد شخصیت ابوالخطاب، منابع اهل سنت و شیعه اختلاف چندانی ندارند. شهرستانی می‌گوید که ابوالخطاب اعتقادات مجوسی را ترویج می‌کرد. (شهرستانی، ص ۱۳۶) بغدادی هم به عنوان یک منبع سنی می‌گوید که وی ادعای خدایی کرد اما وقتی امام صادق (ع) از سخن او آگاه شد، او را لعنت کرده و او را از خود دور کرد. (بغدادی، ص ۱۸۰)

بنابراین طبیعی بود که امام با چنین فردی برخورد شدید داشته باشد. امام بارها او را به عنوان یک منحرف فکری که دارای افکار غلوآمیز بوده، از جرگه شیعیان خود خارج کرده بود. اما در خصوص رابطه نزدیک میان اسماعیل و ابوالخطاب چطور، آیا امام از این رابطه آگاه بوده است؟ منابع امامیه بر آگاهی امام از این رابطه صحه می‌گذارند.

شیخ طوسی از معرفة اخبار الرجال کشتی نقل می‌کند که در یک گفتگوی دو طرفه میان عنبسه بن مصعب و امام صادق (ع) در خصوص افکار ابوالخطاب، امام قاطعانه ابوالخطاب را تکذیب کرده است. (شیخ طوسی، رجال، ص ۱۸۸) دلیل این حساسیت فوق‌العاده امام در مقابل جریان ابوالخطاب چه می‌تواند باشد؟

امام با دو بحران مهم روبرو شده بود: انحراف سیاسی نظام حاکم؛ انحراف عقیدتی جامعه.

از گفتگوی امام با سریر هم آشکارا مستفاد می‌شود که امام تنها به دست گرفتن حکومت و قدرت را کافی نمی‌دانست بلکه به بازسازی مبانی دینی می‌اندیشید. (کلینی، ج ۳، ص ۲۴۲) امام خطر ظهور اعتقادات التقاطی را که بعضاً صبغه سیاسی هم داشت، پیش‌بینی می‌کرد. در چنین شرایطی، ایشان انقلاب بزرگ علمی و فرهنگی خود را آغاز نمود. امام مقابله با افکار شکل گرفته در اثر نهضت ترجمه در قالب غلات، زندیقان، جاعلان حدیث و اهل رأی را نیز بخشی از اهداف خود قرار داده بود. بخش دیگر فعالیت‌های امام، مقابله با مهدویت افراطی بود که حتی برخی از معتقدان آن از شاگردان خود امام بودند و ابوالخطاب یکی از آنان بود. ظاهراً هنگامی که امام از اصلاح ابوالخطاب و هشدار به اسماعیل نتیجه‌ای نگرفت، فرزندش را مورد بی‌مهری قرار داد. تحقیقاً این بی‌مهری به معنی طرد، غضب و تکفیر اسماعیل نبوده است. البته شخصیت اسماعیل در منابع اهل سنت با منابع امامیه، تفاوت بسیار دارد. منابع اهل سنت، ابوالخطاب، اسماعیل، میمون قداح و عبدالله بن میمون - همه - را به لحاظ شخصیتی یکسان و متهم به کفر دانسته‌اند. این منابع، در هر دوره‌ای، بسته به شرایط، اتهامات خاصی را به اسماعیلیه وارد کرده‌اند. در ابتدای پیدایش اسماعیلیه، بانیان این فرقه به افکار الحادی از نوع مجوسی، زندیق و حتی شعوبی‌گری متهم شده‌اند. بغدادی می‌نویسد:

تاریخ‌نگاران گفته‌اند کسانی که پایه و بنیاد کیش باطنیه را نهادند از مجوس زادگان بودند که به دین پیشینیان و پدران خود گرایش داشتند ولی به آشکار کردن آن راز از ترس شمشیر مسلمانان دلیری نمی‌کردند پس برای مردان نادان اساس و بنیادی گذاردند که هر که می‌پذیرفت در نهان

آئین مجوس را بر کیش‌های دیگر برتری می‌داد. (بغدادی، ص ۴-۲۰۳)

طبری هم در ذکر وقایع سال ۲۷۸ هـ ق ذیل عنوان «سخن از آغاز کار قرمطیان» چند صفحه را به آداب و رسوم عجیب و غریب آنان اختصاص داده است. (طبری، ج

۱۵، ص ۷-۶۶۴۲) ابن ندیم نیز در الفهرست صراحتاً آنان را به شعوبی‌گری متهم کرده است:

گویند ابوسلم خراسانی نیز هواخواه آنان بوده ... و از کسانی که این کار را پیشه خود ساخته و آشکارا پرده از آن برداشت، بابک خرمی است ... و کسی که با عبدالله در این کار زمینه‌سازی و همراهی داشت مردی بود به نام محمد بن حسین ... و او در فلسفه و نجوم ماهر و از شعوبیان کینه‌توزی نسبت به اسلام بوده ... (ابن ندیم، ص ۳۵۲)

منابع سنی در قرون بعد، اتهامات دیگری غیر از ستاره‌پرستی یا شعوبی‌گری، به اسماعیلیه وارد می‌کنند. که نمونه بارز آن عظاملک جوینی است که در تاریخ جهانگشا، در فصلی مختص اسماعیلیه، موکداً آنان را به افکار الحادی متهم می‌کند اما درباره شعوبی‌گری آنان چیزی نمی‌گوید؛ چون دیگر شعوبی‌گری از مسائل مطرح جهان اسلام نبود. (جوینی، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۴۲)

تمایلات گریز از مرکز اسماعیلیه - به ویژه در قرون چهارم و پنجم هجری - باعث شد جهان اسلام نسبت به آنان حساسیت نسبتاً یکپارچه‌ای بروز دهد. داشتن تشکیلات سری و منسجم، سیاست ترور شخصیت‌های بزرگ، جذب اندیشمندان، فلاسفه و نخبگان، به همراه تاسیس دولتی پایدار در قلب جهان اسلام که نه از خلیفه اهل سنت، بلکه به واسطه انتصاب به ولایت امام علی (ع) و حضرت فاطمه (ع) مشروعیت می‌گرفت، اسماعیلیه را به مدت سه قرن در جهتی خلاف جریان اصلی جهان اسلام حرکت داد و همین علیه آنان اجماعی نسبی در جهان اسلام به وجود آورده بود.

اما در منابع امامیه با اسماعیلیه این‌گونه برخورد نشده، و شخصیت اسماعیل در کتب رجالی امامیه به گونه‌ای تصویر شده که گویی او فرد مزومومی نبوده است.

قدیمی‌ترین کتاب رجالی در مورد شخصیت اسماعیل، معرفه اخبار الرجالی کشی است که گزیده یا چکیده‌ای از آن در خلال آثار شیخ طوسی به ما رسیده است. شیخ طوسی در هر دو کتاب تهذیب الاحکام و رجال خود درباره اسماعیل مطلب دارد و چون در این زمینه از کشی بهره برده، باید گفت که بی‌تردید کشی، اسماعیل را شخصیتی

مثبت و فرزند مورد علاقه امام می دانسته است، چون طوسی در تهذیب الاحکام می گوید که امام در سوگ اسماعیل بسیار محزون گردید. (طوسی، تهذیب الاحکام، ص ۲۸۹) طوسی در رجال نیز چیزی در ذم اسماعیل نیاورده است. (طوسی، رجال، ص ۱۴۶) دومین کتاب رجال، رجال نجاشی (فوت. ۴۵۰ هـ ق) است. وی مستقلاً بخشی را به اسماعیل اختصاص نداده، بلکه در ذیل افراد دیگر به او اشاره کرده است. (نجاشی، ص)

کتاب فقهی و رجالی امامیه در قرون بعد نیز همین مطالب را تکرار کرده اند. صاحب کتاب سفینه البحار نیز به نقل از کتاب الفصول شیخ مفید حدیثی را از امام صادق (ع) درباره اسماعیل نقل می کند: «ما بداء الله فی شیء کما بدأ له فی اسماعیل» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰-۴۲؛ زریاب خویی، ص ۳۰-۱۸؛ طباطبایی، ص ۴۰-۳۵) اما قمی می گوید که این حدیث به مرگ اسماعیل ربطی ندارد (قمی، ص ۶۲) و چیزی هم در ذم اسماعیل نمی گوید.

علامه مجلسی در بحار الانوار، شخصیت اسماعیل را نسبتاً با شرح و تفصیل بیشتری بررسی می کند و در این خصوص از کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی بهره می برد. مجلسی می گوید امام صادق (ع) پس از مرگ اسماعیل بسیار اندوهگین شد و در حاشیه کفن او نوشت: «اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله». (مجلسی، ج ۴۷، ص ۲۴۸)

خوئی نیز در معجم رجال الحدیث ابتدا تمام روایات مطرح در ذم اسماعیل را بی اعتبار دانسته، نتیجه می گیرد: «المتحصّل: انّ اسماعیل بن جعفر، جلیل و کان مورد عطف الامام علیه السلام». (خوئی، ج ۳، ص ۷-۱۲۴)

ظاهراً مردم تصور می کرده اند که اسماعیل چون پسر ارشد است، امام، او خواهد بود. مطابق روایاتی از امام صادق (ع) در خصوص امامت اسماعیل سؤال شد و امام فرمود: «اسماعیل گناهکار است و او شبیه ما نیست ا» (خوئی، ج ۳، ص ۷-۱۲۴) و این چنین صلاحیت اسماعیل را برای امامت مردود دانست. این رد بعدها بر عدم صلاحیت اخلاقی و مذهبی او حمل شد - که خطایی آشکار است؛ چراکه امام تنها معصومیت و

لیافت او جهت احراز مقام امامت را انکار کرده نه بیشتر.

علامه ممقانی (۱۳۵۱-۱۲۹۰ هـ.ق) نیز در تنقیح المقال - که تحقیقاً یکی از کامل‌ترین کتب رجالی است - پس از ذکر اسماعیل در ردیف اصحاب امام، می‌گوید که حدیث «مابداء...» که امام پس از مرگ اسماعیل فرمودند، تنها یک ظن را در ابوبصیر (راوی حدیث) برانگیخت و آن انحراف اسماعیل بود، در حالی که اصولاً فرض صالح بودن او اولویت دارد. (خویی، ج ۱۹، ص ۳۵۴)

قاموس الرجال علامه شیخ شوشتری (آخرین کتاب رجالی در تاریخ معاصر) نیز همچون سایر کتب رجال، انحراف اخلاقی اسماعیل را قبول ندارد و تمام روایات مربوط به انحراف اخلاقی اسماعیل را بی اعتبار می‌داند. منابع اصلی او در این اظهار نظر، کشتی، مجلسی، شیخ مفید، و کلینی هستند. (شیخ شوشتری، ج ۲، ص ۷-۴۱)

علاقه وافر امام به اسماعیل و احترام خاص برای او این ظن را در میان عده‌ای برانگیخت که او، امام بعدی است. امام این گمان را صراحتاً رد کرد اما این باعث شد که دیگران در حق او به انحراف اخلاقی گمان ببرند. این دو اشتباه عامیانه، از ریشه‌های بروز بحران در حیات امام صادق (ع) بود. عجیب‌تر آنکه برخی تحقیقات نیز به اشتباه نظر اهل تسنن در مورد اسماعیل را نظر کل جهان اسلام - اعم از شیعه و سنی - معرفی می‌کنند. (لوئیس، ص ۴۶)

به هر حال، ابوالخطاب در سال ۱۳۸ هـ.ق توسط حکام کوفه دستگیر و اعدام شد و اسماعیل نیز در همان زمان حیات امام درگذشت. انتظار می‌رفت که با خارج شدن اسماعیل و به ویژه ابوالخطاب از صحنه، این جریان نیز محو، یا حداقل تضعیف شود. اما پیروان ابوالخطاب پس از مرگ آن دو، حول محور محمد بن اسماعیل، نوه امام صادق (ع)، جمع شدند. و در واقع، فرقه اسماعیلیه با همین خطاییه هیت ابتدایی پیدا کرد.

جمعی دیگر نیز معتقد شدند که اسماعیل در واقع نمرده، بلکه غیبت کرده است و دوباره ظهور خواهد کرد؛ و او همان مهدی موعود است. از نظر این گروه استشهاد امام صادق (ع) بر مرگ اسماعیل نوعی تعمد بوده که از ترس منصور، خلیفه عباسی، به عمل

آمده است. اما گذشت زمان و تاریخ، ادعای این گروه را از رونق انداخت؛ چرا که با اتمام خلافت عباسی و زایل شدن ترس از آنان دیگر چه نیازی به غیبت بود؟ برخی منابع در کنار اسماعیلیه، به فرقه‌ای به نام مبارکه یا قرامطه نیز اشاره کرده‌اند. اطلاعات تاریخی در خصوص شخصیت مبارک اندک است. در حالی که اسماعیلیان خالصه، در حلقه هفت نفری امامان خود، اسماعیل را آخرین امام می‌دانستند، قرامطه، محمد را هفتمین امام دانستند. قلمرو فعالیت قرامطه، بیشتر به بحرین محدود بود اما اسماعیلیه، شمال آفریقا (فاطمیان) و سپس ایران (نزاریان) را به عنوان حوزه فعالیت خود انتخاب کردند.

شخصیت برجسته بعدی در تاریخ اسماعیلیه، میمون قداح است. میمون القداح و پسرش عبدالله که بعدها در نقش نظریه پرداز این فرقه به فعالیت پرداخت، از شاگردان ابوالخطاب بودند. اهمیت این سه نفر (= ابوالخطاب، میمون القداح، عبدالله بن میمون) در تاریخ پیدایش اسماعیلیه به حدی است که اگر این سه نبودند، فرقه اسماعیلیه به این برجستگی و اهمیت بعدی خود دست نمی‌یافت.

شخصیت میمون قداح و عبدالله بن میمون در منابع امامیه شایان توجه است. اکثر منابع امامیه فردی به نام میمون القداح را از صحابه امام صادق (ع)، و انسانی معتبر، ثقه و قابل اطمینان می‌دانند. خویی در معجم رجال، میمون قداح و فرزندش عبدالله (= عبدالله بن میمون بن الاسود القداح) - هر دو - را از ثقه می‌داند. (خویی، ص ۳۵۴)

این اعتبار برای شخصیت میمون القداح و فرزندش، در اکثر منابع امامیه ذکر شده است. همین امر موجب شد که بسیاری از منابع غیر امامی، در شناخت دیدگاه امامیه در مورد شخصیت‌های اصلی اسماعیلیه دچار اشتباه شوند.

به احتمال قریب به یقین، در دوران امامت امام صادق (ع) چند نفر به نام عبدالله بن میمون وجود داشته‌اند. ابن ندیم عبدالله بن میمون را جزو فقهای شیعه نام می‌برد اما می‌گوید که چند نفر به این نام مشهور هستند. (ابن ندیم، ص ۲۷۵) کتب رجالی امامیه از قرن‌ها پیش به این مسأله توجه داشتند تا اینکه شیخ شوشتری در کتاب رجال خود، در

یک جمع بندی از این دیدگاه‌های مختلف، به یک نظریه تکمیلی دست یافت. وی معتقد است که «فاما عبدالله بن میمون القداح متعدد...» یک نفر عبدالله بن میمون قداح ثفه است و دیگری میمون دیصان است که فردی منحرف است. (شیخ شوشتری، ج ۶، ص ۳۷-۶۳۳)

به نظر می‌رسد که میمون قداح مورد نظر، آن میمون القداح که از حامیان و شاگردان ابوالخطاب بوده، نباشد بلکه باید او را میمون دیصان دانست؛ چرا که اساساً شخصیت میمون قداح و پسرش عبدالله در تاریخ مغشوش است. پژوهشگران غربی هم به این پیچیدگی اشاره کرده‌اند. (لوئیس، ص ۶۵) و حتی گاهی گفته شده که شاید این شخصیت، فردی افسانه‌ای و غیرواقع بوده باشد. اما در جمع بندی منابع امامیه نتیجه می‌شود که میمون دیصان از شاگردان ابوالخطاب بوده و پسرش معروف به عبدالله بن میمون هم همین تفکر را داشته و نباید او را با شخصیت عبدالله بن میمون قداح که یکی از ثقات اهل بین بوده، اشتباه گرفت.

نتیجه

منابع رجالی امامی، منابع ارزشمندی برای کاوش در ریشه‌های ظهور اسماعیلیه هستند. این منابع که عمدتاً از قرن چهارم هجری به بعد نوشته شده‌اند، به مسایل اخلاقی، مذهبی و سیاسی مربوط به فرقه اسماعیلیه و نیز به شخصیت‌های بنیان‌گذار این فرقه نگاهی بی‌طرفانه دارند. در حالی که در این منابع، شخصیت اسماعیل، برخلاف نظر پژوهشگران غربی، مثبت تلقی شده است، ابوالخطاب از منفورترین چهره‌ها در منابع رجالی امامی است. و این در حالی است که در این منابع، چهره میمون القداح و فرزندش عبدالله در هاله‌ای از ابهام قرار دارد که البته با تطبیق منابع متعدد امامیه و به ویژه آخرین کتب رجالی، آشکار شدن تعدد نام میمون القداح و عبدالله، گره این ابهام را باز می‌کند.

توضیحات

۱. مؤلف در این صفحه، اسماعیل را جزو اصحاب امام صادق ذکر می‌کند.
۲. عین جمله امام چنین است: ... فقال علیه السلام: عاص، عاص، لایشهنی و لایشبه احداً من آبانی.
۳. متأسفانه برنارد لوئیس علیرغم تسلط عالمانه بر تاریخ اسماعیلیه، صراحتاً ذکر می‌کند که منابع سنی و شیعه اثنی عشری، اسماعیل را رد کرده و او را فرزند ناشایست پدرش به حساب آورده‌اند.

منابع و مأخذ

- لوئیس، برنارد. اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه دکتر یعقوب آژند. تهران: مولى، ۱۳۶۸.
- بغدادی، ابومنصور عبدالقادر، الفرق بین الفرق. به اهتمام دکتر مشکور. تهران: اشرافی، ۱۳۵۸.
- طوسی (شیخ). رجال طوسی. نجف: [بی‌نا]، ۱۳۸۱ هـ / ۱۹۶۱ م.
- تهذیب الاحکام. بیروت: دارالاصفواء، ۴۰۶ هـ / ۱۹۸۵ م.
- خویی. معجم رجال الحديث. بیروت، ۱۴۰۹ هـ؟ ۱۹۸۹ م.
- نوبختی، ابو محمد الحسن بن موسی. فرق الشیعه. نجف، ۱۹۵۹ م.
- الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم. الملل و النحل. تصحیح محمد سیدگیلانی. قاهره، ۱۹۶۱ م.
- کلینی، ثقة الاسلام. اصول کافی. ترجمه آیت اله محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسوه، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ۱۳۶۶.
- ابن ندیم، الفهرست.
- جوینی، عظاملک، تاریخ جهانگشا. به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: بامداد، ۱۳۶۷.
- النجاشی، الشیخ احمد بن علی. رجال النجاشی. تحقیق السید موسی الشبیری الزنجانی. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- زریاب خویی، عباس. «بداء در کلام اسلامی». مجله تحقیقات اسلامی. (سال ۲، شماره ۲).
- طباطبایی، محمدحسین. شیعه در اسلام. قم: دارالتبلیغ.
- قمی، شیخ عباس. سفینه البحار. تهران: کتابخانه سنایی.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
- ممقانی (علامه). تنقیح المقال فی الرجال. تهران: بوذرجمهری، [بی‌تا].
- شیخ شوشتری. قاموس الرجال. قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ هـ.

- Walker, P.E. *Abu Ya'gub Al-Sijistani: Intellectual Missionary*. London, 2000.
- Daftary, Farhad. *Medieval Ismaili History and Thought*. Cambridge: University of Cambridge, 1996.
- Daftary, Farhad. *The Ismailis: Their History and Doctrines*. Cambridge: University of Cambridge, 1990.
- Daftary, Farhad. *A Short History of the Ismailis*. Edinborg: Edinborg University, 2000.
- Jiwa, Shainool. Fatimid-Buyid Diplomacy during the Reign of Al-Aziz Billah. *Islamic Studies Journal*, 1992.
- Jiwa, Shainool. The Initial Destination of the Fatimid Caliphate: The Yemen or the Maghrib? *Middle East Studies*, 1989.
- Nanji, Azim. *The Nizari Ismaili Tradition*, 1976.
- Nanji, Azim. *The Muslim Almanac*, 1976.
- Sanders, Paula. <<http://www.ruf.rice.edu/-hist.>>
- Campbell,Anthony. <[http://homepage.nflworld.com/anthony.campbell/assassins/index.html.](http://homepage.nflworld.com/anthony.campbell/assassins/index.html)>

